

## رعایت فواصل انسانی و افزایش امنیت اجتماعی

سمانه جعفرمحمدی<sup>1</sup>، مجتبی انصاری<sup>2</sup>، محمدرضا بمانیان<sup>3</sup>

تاریخ دریافت: 1397/12/20

تاریخ پذیرش: 1398/02/27

از صفحه 137 تا 156

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی

سال هفتم، شماره بیست و پنجم، بهار 1398

### چکیده

در دنیای امروز بحث احساس امنیت و فواصل بین انسان‌ها به یکی از دغدغه‌های انسان مدرن تبدیل شده است. به طوری که هر شخص به ترسیم شکل خاصی از خلوت و تعیین فاصله خود با دیگران برای زندگی فردی و جمعی می‌پردازد؛ بنابراین تشریح مفهوم فاصله، جهت درک بهتر و پی بردن به اهمیت آن در زندگی اجتماعی افراد از اهمیت بالایی برخوردار است و بررسی تأثیر این فواصل در افزایش امنیت اجتماعی، هدف این پژوهش است. به این منظور، نخست به بررسی نظری فواصل انسانی پرداخته و سرانجام تلاش می‌شود تا شاخصه‌های عملی برای ایجاد این فواصل در جهت افزایش امنیت اجتماعی و رسیدن به آرامش شهروندان مشخص شود. روش پژوهش، استدلال منطقی است. دستاورد این پژوهش آن است که علاوه بر معیارهای ذهنی که نقش برجسته‌ای در تأمین این فواصل دارند؛ شرایط کالبدی خانه‌های شهری نیز از اهمیت بالایی برخوردارند.

**کلید واژه‌ها:** فواصل انسانی، شهرنشینی، امنیت اجتماعی.

1- دانشجوی دکتری معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

2- دانشیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، تهران، ایران، [ansari\\_m@modares.ac.ir](mailto:ansari_m@modares.ac.ir)

3- استاد و عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

## بیان مسئله

امروزه بحث فواصل انسانی به عنوان یکی از موضوعات بسیار مهم در معماری و شهرسازی قابل کنکاش و جستجو است. بحثی که سال‌های متمادی دغدغه بسیاری از معماران و شهرسازان بوده است و همین امر آن‌ها را بر آن داشت تا دست به کار محاسبه این فواصل در زندگی روزانه مردم، معماری و شهرسازی کشورهای مختلف شوند. این نیاز به طور کلی در دو بُعد فیزیکی و روانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطابق با دیدگاه بسیاری از پژوهشگران، فرهنگ، مذهب و ملیت و منطقه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند، عامل اصلی شکل‌گیری معماری و شهرسازی است و نقش مهمی در پایداری و امنیت اجتماعی دارد؛ بنابراین مطالعه فرهنگ دینی و منطقه‌ای برای شناخت فواصل انسانی اهمیت می‌یابد. دریافت ساختار مفهوم فواصل انسانی در گذشته بیشتر مبتنی بر معیارهای کالبدی فضا بوده است در حالی که امروزه به دلیل مناسب نبودن شرایط کالبدی، معیارهای ذهنی نقش برجسته‌ای در تأمین این فواصل دارند.

برای افزایش امنیت اجتماعی در شهر علاوه بر توجه به وجوه ملموس و مادی (کالبد) معماری خانه‌ها و شهرسازی، باید حوزه‌های انسانی چه در حیثیت فردی و چه در حیثیت اجتماعی را نیز مورد تأمل و مطالعه قرار داد. بدون تردید عناصر محیطی نقش بسزایی بر رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های انسان ایفاء می‌کنند و از این رهگذر سبک زندگی عموم مردم نیز تحت‌الشعاع معماری و شهرسازی‌های مرسوم قرار می‌گیرد که با ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی ایرانی - اسلامی سنخیت و سازگاری چندانی ندارد. امروزه تأثیر معماری و شهرسازی بر رفتارها و شیوه زندگی افراد و گروه‌های اجتماعی غیرقابل‌انکار است و نفوذ معماری و شهرسازی غربی در اندیشه‌های طراحان و فعالان این حوزه موانعی جدی را در مسیر ترویج و تحقق سبک زندگی اسلامی ایجاد خواهد کرد و همین امر لزوم توجه به آن را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

اولین بار ادوارد هال انسان‌شناس آمریکایی (1914)، در سال (1966) با انتشار کتاب «بعد پنهان» علم پروکسمیک را پیشنهاد کرد که عبارت است از بررسی استفاده انسان از فضا به مثابه ابزاری برای برقراری ارتباط. برای کشور ایران در رابطه با فواصل انسانی و اهمیت آن در ایجاد امنیت اجتماعی مطالعاتی صورت نگرفته است و اکنون قرار است تا

در این پژوهش این مسئله با توجه به فرهنگ ایرانی - اسلامی کشورمان بررسی و توسعه یابد؛ بنابراین آشنایی با تعاریف و الگوهای اجرایی فواصل، چه در بخش کلان‌شهری و چه در بخش خرد خانه برای افزایش امنیت اجتماعی و روانی افراد، هدف این پژوهش خواهد بود.

### پیشینه پژوهش

ادوارد هال با آزمایش‌های خود بر روی جانوران فواصل مشخصی را تشخیص داد (جدول شماره 1) و معتقد است که هر جانور افزون بر قلمرو و سرزمین که با قطعه خاصی از زمین مشخص و تعریف می‌شود یک سری حباب یا بالون با شکل‌های نامنظم پیرامونش احاطه شده است (هال، 1376: 13). هال، لغت پروکسمیک را چنین تعریف کرد: مطالعه اینکه چگونه فرد به‌طور ناخودآگاه فضای نامرئی می‌سازد یعنی «فاصله بین افراد در انجام امور روزانه، در سازمان‌دهی فضا در منازل، بناها و در نهایت در چیدمان شهر» از نظر وی، فرهنگ‌ها تعمیم دهنده شکل‌های رفتاری و کارکردی متفاوتی از انسان هستند و معتقد است که هاله‌ای گرداگرد انسان شکل گرفته و فواصلی را دربر می‌گیرد و در فرم و عملکرد عرصه عمومی و خصوصی و چگونگی رابطه این دو عرصه تأثیرگذار است. هال، فاصله‌هایی را که فضاهای پنهان بر پایه آن‌ها شکل می‌گیرد چهار گونه می‌داند: فاصله صمیمی، فاصله شخصی، فاصله اجتماعی، فاصله همگانی.

- فاصله صمیمی: در این فاصله، حضور شخص دیگر تردیدناپذیر بوده و چیرگی با داده‌های حسی است.
- فاصله شخصی: پیرامون یا حباب حفاظتی کوچکی است که یک جاندار میان خود و دیگر جانداران نگه می‌دارد.
- فاصله اجتماعی: فاصله معمول برای روابط اجتماعی عمومی و کاری است.
- فاصله همگانی: برای ملاقات رسمی و دیدار با افراد دارای مقام بالا کاربرد دارد.

جدول شماره (1). انواع فاصله از دیدگاه هال

نظریه پرداز	مفاهیم	مؤلفه	شاخص
		فاصله صمیمی	برخورد با داده‌هایی حسی
		فاصله شخصی	تماس فیزیکی محدود
ادوارد هال	فضای پنهان	فاصله اجتماعی	ارتباط از دور دادوستد و گفتگوهای اجتماعی
		فاصله همگانی	عدم تماس، برخوردها در فضای عمومی

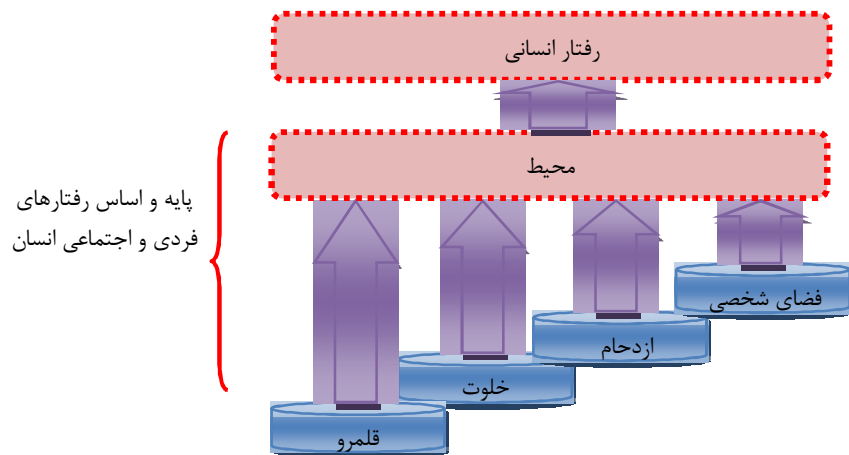
در نظریه‌های مطرح شده در مورد فاصله از دیدگاه هال نکاتی قابل تأمل است که در ادامه آمده است:

الف) این مناطق همگانی نیست و اینکه در هر منطقه چه رفتاری مجاز است و در هر موقعیت چه فاصله‌ای باید رعایت شود به تعداد فرهنگ‌ها متنوع است؛

ب) اهمیت این مناطق از فاصله فیزیکی آن‌ها ناشی نمی‌شود، اهمیت آن‌ها معلول امکاناتی است که برای ارتباط افراد با یکدیگر فراهم می‌آورد؛

ج) او معتقد است این احساس افراد نسبت به هم است که تعیین‌کننده نوع فاصله میان آن‌ها می‌باشد.

مفاهیمی که «هال» مطرح کرد مورد توجه محققان و نقد منتقدان قرار گرفت و سال‌ها بعد از آن، نتایج پژوهش پروکسمیکی هال را آبروین آلتمن شرح و بسط داد. آلتمن با دیدگاه روان‌شناسی-اجتماعی چهار مفهوم خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام را پایه و اساس رفتارهای فردی و اجتماعی انسان در ارتباط با محیط دانست (نمودار شماره 1). وی تأکید کرد که این مفاهیم برگرفته از آزمایش‌های متعدد ادوارد تی هال است و علم پروکسمیک را پایه‌ای برای پژوهش درباره رفتار محیطی انسان معرفی کرد (آلتمن، 1382: 45).



نمودار شماره (1). نظریه آلمن در مورد چهار مفهوم فواصل و تأثیر آن بر رفتار انسان

هایدگر علاوه بر فواصل شخصی و اجتماع، فاصله گریز و فاصله حساس یا بحرانی را نیز جزء فواصل انسانی معرفی کرده است. وی معتقد است، حیوانات غالباً فاصله‌ای را میان خود و هم‌نوعانشان رعایت می‌کنند و این فاصله همیشه به‌طور شگفت‌انگیزی ثابت است. فاصله گریز و فاصله حمله، از جمله این فاصله‌ها هستند:

فاصله گریز: اشاره به حد نهایی فاصله‌ای دارد که حیوانی می‌تواند با یک حیوان داشته باشد و اگر پا را فراتر از آن بگذارد تهدید به حساب می‌آید و بیشتر به فرار حیوان منتهی می‌شود.

فاصله حمله: فاصله‌ای است که وقتی حیوان دیگر به آن حد نزدیک می‌شود، در صورت نبودن امکان فرار حیوان به او حمله می‌کند (بحرینی و تاجبخش، 1378: 20).

به اعتقاد سامر، منظور از فضای شخصی محدوده‌ای است پیرامون جسم فرد، که با مرزی نادیدنی مشخص می‌شود و کسی نباید پا را به درون آن بگذارد. افراد همچون خاریشت‌های داستان خیالی شوپنهاور دوست دارند آن قدر به هم نزدیک شوند که به یکدیگر گرما بدهند و آن قدر از هم دور باشند که مزاحم هم نشوند. فضای شخصی الزاماً مدور نیست و در همه جهات به یک اندازه گسترش نمی‌یابد. آن را به پوسته حلزون، حباب صابون، هاله و اتاق تنفس نیز تشبیه می‌کنند.

گافمن نیز معتقد است که فضایی پیرامون فرد را تشکیل می‌دهد که ورود دیگری به آن باعث شود فرد احساس کند به حریم او تجاوز شده است و این عمل به ابراز ناراحتی و گاه کنار کشیدن او منجر شود.

در جمع‌بندی نظریه‌های اندیشمندان غربی در مورد روان‌شناختی فواصل اجتماعی می‌توان به مسائل زیر اشاره کرد:

- تمامی نظریه‌پردازان به رعایت فواصل انسانی تأکید داشته و آن را الزامی دانسته‌اند؛

- در بین نظریه‌پردازان تنها ادوارد هال است که به طبقه‌بندی فضاها پرداخته و بقیه تنها تعریفی گذرا از آن بیان کرده‌اند؛

- در بین نظریه‌پردازان تنها آلمن اشاره به این داشته که قوانین حاصل از فواصل انسانی اکتسابی است و با محیط‌های مختلف، این فواصل نیز تغییر می‌کنند.

- در بین نظریه‌پردازان سامر، گافمن و هایدگر فواصل انسانی را هم‌ردیف فاصله شخصی معرفی می‌کنند و تقسیم‌بندی برای آن قائل نیستند. جدول شماره (2) گواهی بر مطالب بالاست.

جدول شماره (2). بررسی تطبیقی ویژگی‌های روان‌شناختی فواصل انسانی در بین صاحب‌نظران غربی این حوزه

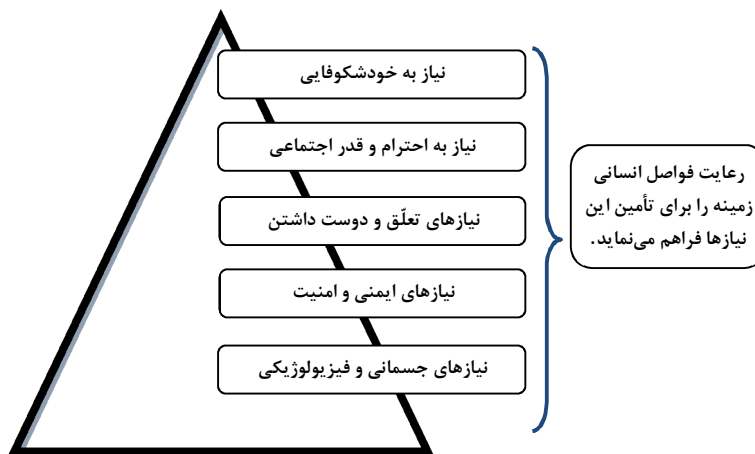
نظریه‌پرداز	تعریف
آلمن (1977)	تمایل به داشتن فاصله از دیگران اکتسابی بودن قوانین حاکم بر فواصل انسانی
هایدگر	احاطه شدن هر انسان توسط حباب‌ها یا بالن‌هایی با اشکال غیرمنظم (فاصله گریز، فاصله حساس یا بحرانی)
ادوارد هال	فواصل صمیمی، شخصی، اجتماعی و عمومی
سامر	فضای شخصی: محدوده‌ای با مرزهای نامرئی که اطراف بدن شخص را فراگرفته که جایی برای مزاحمان در آن وجود ندارد.
گافمن	فضای شخصی فضایی است پیرامون فرد که ورود دیگری در آن باعث شود فرد احساس کند به حریم او تجاوز شده است.

در حقیقت فواصل انتخابی افراد، دقیق‌تر از طبقه‌بندی ادوارد هال است؛ زیرا افراد، دیگر عواملی را که در این مسئله دخیل بوده‌اند نیز در نظر داشته‌اند. یک عالم کهن‌سال گفت، شما نیازی به دانستن قوانین فیزیک ندارید تا یک توپ بسکتبال را به درستی پرتاب کنید (گیفورد، 1378: 56). به‌گونه‌ای مشابه، اغلب اشخاص همانند ما روزانه فواصل انسانی را بر طبق قوانین بسیار شخصی به کار می‌برند، در صورتی که سطح آگاهی ما نسبت به این قوانین و فرایند فاصله‌گیری خیلی پایین است.

### مبانی نظری پژوهش

در ابتدا بر اساس تئوری‌های روان‌شناسی که از سوی نظریه‌پردازان این رشته ارائه شده است؛ نیازهای مادی و انگیزشی انسان را در وجوه طبقه‌بندی مختلف بررسی می‌نماییم. بر اساس نظریه روان‌شناسی مازلو (1943) سلسله‌مراتب نیازهای انسان به ترتیب در (5) رده طبقه‌بندی شده است (مطلبی، 1380: 61).

- نیازهای فیزیولوژیکی مانند آب، غذا، سرپناه؛
  - نیازهای ایمنی مانند محیط امن، رهایی از ترس، دلهره و آشفتگی؛
  - نیازهای تعلق پذیری مانند محبت کردن و محبت دیدن و روابط متقابل با دیگران؛
  - نیازهای احترام و عزت‌نفس مانند احساس توفیق، تأیید شایستگی و کفایت؛
  - نیازهای خودشکوفایی مانند تحقق استعدادها بالقوه ناشی از میل آدمی به رشد.
- مراتب نیازهای فوق به ترتیب از نیازهای فیزیولوژیکی شروع تا در مرتبه نهایی به نیازهای خود شکوفایی برسد؛ توجه به هر رده از نیازها در صورت تأمین مراتب قبلی مؤثر خواهد بود. نمودار شماره (2) به اولویت‌بندی ذکرشده اشاره دارد. رعایت فاصله انسانی، زمینه را برای تأمین این نیازها فراهم می‌نماید.



نمودار شماره (2). هرم نیازهای انسانی بر اساس نظریه‌های مازلو.

### مفهوم فواصل انسانی از دیدگاه پژوهشگران غربی

در جدول شماره (3) نظرات پژوهشگران غربی مورد کند و کاش قرار گرفته است:

#### جدول شماره (3). تعریف فواصل انسانی از دیدگاه پژوهشگران غربی

پژوهشگر	نظریه‌ها در مورد فواصل انسانی
لاندا <sup>1</sup> (2013)	علم پروکسمیک <sup>2</sup> یا فاصله بین اشخاص در واقع به بررسی نحوه استفاده انسان از فضا و تأثیراتی که تراکم جمعیتی بر رفتار و ارتباطات و روابط اجتماعی می‌گذارد؛ می‌پردازد.
مور <sup>3</sup> (2010)	علم پروکسمیک بر روی بسیاری از مسائل ارتباطات احساسی از قبیل تماس، حرکات بدن و ساختار زمان مطالعه دارد.
کندی و همکاران <sup>4</sup> (2009)	مطالعه فاصله بین اشخاص نه تنها ارزش بالایی در شناخت نحوه ارتباط بین مردم را دارد بلکه باعث شناخت سازمان فضایی، خانه‌ها، ساختمان‌ها و در نهایت طرح مناسب برای ایجاد شهرها می‌شود.
گراهام <sup>5</sup> (2014)	یکی از مهم‌ترین فاکتورها در زمینه ایجاد محرمیت، در نظر گرفتن فواصل یا حریم‌های انسانی است. فواصل انسانی دارای رهنمودها، قوانین و محدودیت‌هایی هستند که شخص برای معرفی کردن خود، آن‌ها را می‌سازد و می‌فهماند که چگونه باید با او رفتار کنند و در موقعیت‌های مختلف چگونه باید رفتار بکند.

1- Landau  
2- Proxemics  
3- Moore  
4- Kennedy  
5- Graham



پژوهشگر	نظریه‌ها در مورد فواصل انسانی
برگ <sup>1</sup> (2010)	رعایت فواصل انسانی هنجارهای گروهی که باید رعایت شوند را به ما گوشزد می‌کند. برخی ویژگی‌های فاصله انسانی عبارت‌اند از: 1) فاصله انسانی مرزی نامرئی است میان خود و دیگران؛ 2) فاصله انسانی به فرد «متصل و وابسته» است؛ 3) با تغییر موقعیت میزان انعطاف‌پذیری، فاصله انسانی تغییر می‌کند؛ 4) شکسته شدن مرز فاصله انسانی غالباً به نگرانی و فشار روانی و حتی گریز و پرخاش منجر می‌شود.
چاپین <sup>2</sup> (1951)	باید فواصل انسانی مورداحترام قرار گیرند تا بتوان امنیت را به جامعه افزود. همچنین رعایت فواصل انسانی دربرگیرنده ویژگی‌های مثبتی بوده که عبارت‌اند از: خلوت‌گزینی، استقلال فردی، کنترل هیجانات، کمک به خودارزیابی و محافظت از ارتباطات. پژوهشگران، خلوت و فواصل انسانی را منبع تفکر، تأمل، تفسیر و تعمق می‌دانند.

### تعریف فواصل انسانی از دیدگاه پژوهشگران ایرانی

امروزه پژوهش بر روی این فواصل در کشورهای مختلف صورت گرفته است. وجه تمایز پژوهش‌های انجام‌گرفته در ایران، متغیرهایی است که به لحاظ روان‌شناختی فواصل انسانی در معماری مسکونی از دیگر کشورها گرفته می‌شود که برخی از آن‌ها جدای از متفاوت بودن روان‌شناسی دینی و فرهنگی، اقلیم، جغرافیا و کالبد کشور ایران است. پژوهش‌های بررسی‌شده برخی محققان ایرانی (جدول شماره 4) پیرامون مفاهیم فضاهای خصوصی، خلوت و فواصل انسانی و نقش آن‌ها در معماری و شهرسازی ایران و همچنین لزوم توجه به آن‌ها به شرح زیر است:

جدول شماره (4). تعاریف ارائه‌شده برخی محققان از مفاهیم خلوت، فضای خصوصی و فواصل انسانی

نظریه پرداز	تعریف
مدنی پور (1391)	فضای خصوصی: بخشی از فضا است که به‌منظور استفاده انحصاری فرد که خارج از دسترس عموم است به فرد متعلق است و در کنترل اوست.
آسایش (1392)	بررسی لزوم تقویت حریم خصوصی و موقعیت‌یابی فرد در فضاهای عمومی شهر. تحت‌الشعاع قرارگرفتن مفاهیم فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی در معماری امروز به دلیل تغییر هویت مسکن و محدود شدن فضاها. توجه به بحث احترام به خلوت‌گزینی افراد (معرفی مفهوم مرز).
فاروقی و بادلی (1394)	به وجود آمدن حس امنیت و همچنین بهبود میزان بازدهی افراد از طریق حفظ خلوت و فواصل بین انسان‌هاست.
عزیزیان و کنعانیان (1393)	آسایش خانواده و فراهم آمدن امکان ارتباط مناسب اعضاء آن با یکدیگر و حتی با سایر نزدیکان از طریق حفظ خلوت و فواصل بین انسان‌ها.

1- Berg

2- Chapin

تعریف	نظریه پرداز
<p>شکل‌گیری عناصر کالبدی مرتبط با «خلوت» همچون صندوق‌خانه‌ها، پستو خانه، زاویه‌ها و یا کنج‌ها در معماری به‌منظور ایجاد و حفظ تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی.</p> <p>تفکیک کردن فضاهای مستقل و فضاهای در ارتباط با دیگر فضاها در طراحی مسکن‌های ایرانی.</p> <p>شناخت مفهوم خلوت از طریق بررسی رابطه بین فضاها و ارتباط آن با چگونگی رفع نیازهای فرد در خانه (از طریق پی بردن به درک افراد از مفهوم خلوت در فضاها).</p>	<p>ارژمند و خانی (1391)</p>
<p>دریافت ساختار مفهوم خلوت در گذشته بیشتر مبتنی بر معیارهای کالبدی فضا بوده است در حالی‌که امروزه به دلیل مناسب نبودن شرایط کالبدی خانه، معیارهای ذهنی نقش برجسته‌ای در تأمین خلوت دارند.</p>	<p>کازرونی (1393)</p>
<p>مفهوم خلوت در خانه‌های سنتی ایران به‌خوبی مورد توجه قرار گرفته و معماران سنتی با به‌کارگیری تدابیر مختلف سعی در برآورده کردن این نیاز داشته‌اند. برخلاف آنچه در معماری امروز ایران رخ داده و آن نادیده گرفتن خلوت، محرمیت و امنیت بصری در ساختمان‌هاست.</p> <p>توجه به مفهوم خلوت به‌عنوان تأمین‌کننده آرامش روحی افراد خانواده و در نهایت آرامش محلّه و اجتماع.</p>	<p>خامه (1389)</p>
<p>توجه به خانه درون‌گرای ایرانی که در آن خلوت، به‌عنوان مفهوم فطری به بروز نمادهای معمارانه خاص در خانه منتج شده است.</p> <p>بهره‌گیری از اصل سلسله‌مراتب فضایی، وجود فضای مکث و انتظار از ورودی جهت شکستن دید (خلوت دیداری) و تغییر جهت یا ایجاد اختلاف سطح جهت جلوگیری از ورودی یک‌باره افراد به حریم خصوصی خانه، مرزبندی فضاها با کالبدی تعریف‌شده، بهره‌گیری از فضاهای واسط و فاصله‌انداز به نام میان در میان فضاهای اصلی، جانمایی درست فضاها به‌گونه‌ای که عرصه‌های عمومی خانه مانند پذیرایی و نشیمن خانوادگی در محور اصلی و عرصه‌های خصوصی در محورهای فرعی خانه قرار گیرند، پرهیز از یکپارچه کردن فضاها یا از میان بردن حریم‌ها و مرزهای آن‌ها، پوشیده شدن فضاهای باز اعم از حیاط‌ها، بام، حیاط‌خلوت‌ها، بالکن‌ها در خانه‌ها از جمله اقدام‌های بکار رفته در معماری خانه‌های سنتی در راستای رسیدن به مفهوم خلوت است.</p>	<p>کرباسی (1392)</p>
<p>خلوت به‌عنوان یکی از ارکان مطلوبیت مسکن در فرهنگ‌های مختلف مورد توجه بوده و همواره یکی از شاخصه‌های مطرح برای ارزش‌گذاری یک‌خانه بوده است.</p> <p>خلوت، به‌مثابه مفهومی پرتکرار در معماری مسکن، باعث بروز فرم‌ها یا فضاهایی نمادین در خانه‌ها شده است.</p>	<p>نصیری (1388)</p>
<p>توجه به وجود عناصر فضایی مناسب و انعطاف‌پذیر در خانه به‌منظور حفظ تعادل میان خلوت و داشتن ارتباط با دیگران از طریق کنترل داشتن فرد بر درجه و زمان هر یک از این دو است.</p> <p>از بین رفتن محرمیت و حریم در فضاها، به دلیل گسستگی بین معماری سنتی و معماری معاصر ایران است.</p>	<p>نیکروان (1392)</p>
<p>لزوم توجه به مسئله حریم در ابعاد مختلف آن (فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی) جهت حفظ امنیت فردی و اجتماعی، تأمین آرامش و آسایش و به‌عنوان یکی از عوامل اصلی ایجادکننده کیفیت و مطلوبیت فضایی است.</p>	<p>انجمنی (1393)</p>
<p>وجود خلوت در زندگی می‌تواند به ایجاد زمینه مناسب در ایجاد رابطه فردی و اجتماعی بیانجامد. علاوه بر آن، آسایش خانواده و فراهم آمدن امکان ارتباط مناسب اعضا آن با یکدیگر و حتی با سایر نزدیکان، نیازمند سلسله‌مراتبی از خلوت در معماری داخلی مسکن است.</p>	<p>کاظمی (1392)</p>
<p>در خانه‌های سنتی تفکیک فضاها به عمومی و خصوصی، تجلّی کالبدی روابط بین عرصه‌های</p>	<p>دهقان (1392)</p>

تعریف	نظریه پرداز
<p>خصوصی و عمومی جامعه است. شکل ارتباط بین بخش عمومی و خصوصی خانه و مفاهیمی چون حریم خصوصی و کنترل فضا، بسته به الگوهای رفتاری و فرهنگی جامعه است.</p> <p>ترسیم طیفی از عرصه‌های خصوصی تا عمومی روابط در محیطی که به‌طور معمول خصوصی تلقی می‌شود؛ امکان‌پذیر است. فضاهای خانه در خانه‌های سنتی طیفی را تشکیل می‌دهند که در آن هر فضا می‌تواند کمی بیشتر یا کمتر از سایر فضاهای دیگر خصوصی باشد. وجود این طیف نشان می‌دهد چگونه سازمان‌دهی فضاهای درونی خانه از دنیای بیرون و حوزه عمومی جامعه به‌عنوان شهر اسلامی تأثیر می‌پذیرد.</p>	
<p>در معماری مردم‌گرا، نقش معماری در آرامش روانی انسان بررسی می‌شود. معماری‌ای مردم‌وار است که در آن انسان، مورد مطالعه قرار گیرد؛ نیازها و فاکتورهای رفاهی او بررسی شود؛ از لحاظ روحی و روانی تنش‌ها، هنجارها و ناهنجارها شناخته شود. تأثیر رنگ، نور، حریمیت، خلوت، دل‌بستگی به مکان، فضاهای عمومی و خصوصی، فضای سبز در ابعاد کلان‌شهر و در ابعاد خرد خانه مشخص شود.</p>	سجادزاده (1393)
<p>کاهش کیفیت عملکردی فضا در معماری معاصر ایران به دلیل عدم توجه به فضاهای باز و نیمه‌باز خصوصی. (توجه به مؤلفه‌های کیفی فضا در معماری معاصر و بومی)</p>	جمشیدی و جواهریان (1394)
<p>از دیدگاه روانشناسی محیط، نیاز به داشتن حریم خصوصی از جمله نیازهای اولیه انسان شمرده می‌شود که بیشتر بستر و زمینه‌ساز شکوفایی سایر استعدادهای وی نیز شمرده می‌شود.</p>	رمضانی (1394)

### عوامل مؤثر بر فواصل انسانی در مسکن و شهرسازی

تنظیم فواصل علاوه بر ویژگی‌های شخصی افراد به ویژگی‌های منطقه‌ای، محیط‌زیست و جغرافیایی شهر و مسکن، فرهنگ، هویت دینی و ملی - منطقه‌ای اقلیم، شرایط اجتماعی- اقتصادی افراد و فن و فناوری زمانه نیز مربوط است. میزان رضایتمندی افراد از فواصل موجود در شهر و خانه به عواملی چون: جغرافیای مسکن، فرهنگ محیط و هویت دینی و منطقه‌ای آن جامعه بستگی دارد.

### روش پژوهش

برای کشور ایران در رابطه با فواصل انسانی مطالعاتی صورت نگرفته است و اکنون قرار است تا در این پژوهش این مسئله با توجه به فرهنگ ایرانی - اسلامی کشورمان بررسی و توسعه یابد، بنابراین نوع پژوهش، توسعه‌ای است. روش تجزیه تحلیل داده‌ها به صورت کیفی (ارائه تعریف و استدلال منطقی) خواهد بود.

به‌منظور دستیابی به اهداف پیش روی در پژوهش حاضر در گام اول با بررسی‌های جامع کتابخانه‌ای و ارزیابی نتایج مطالعات گذشته (مطالعات کتابخانه‌ای داخلی و

خارجی)، الگوهای مؤثر بر ایجاد فواصل انسانی در مسکن و شهر برای افزایش امنیت اجتماعی شناسایی، استخراج و در پنج گروه عوامل کالبدی، عملکردی، فرهنگی، اجتماعی و ادراکی و روانی تقسیم‌بندی می‌شوند. در گام بعدی نیز با بهره‌گیری از روش دلفی فازی در میان کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه علوم رفتاری، معماری و شهرسازی از بین این عوامل، شاخص‌های اساسی مؤثر شناسایی می‌شوند.

### یافته‌های پژوهش

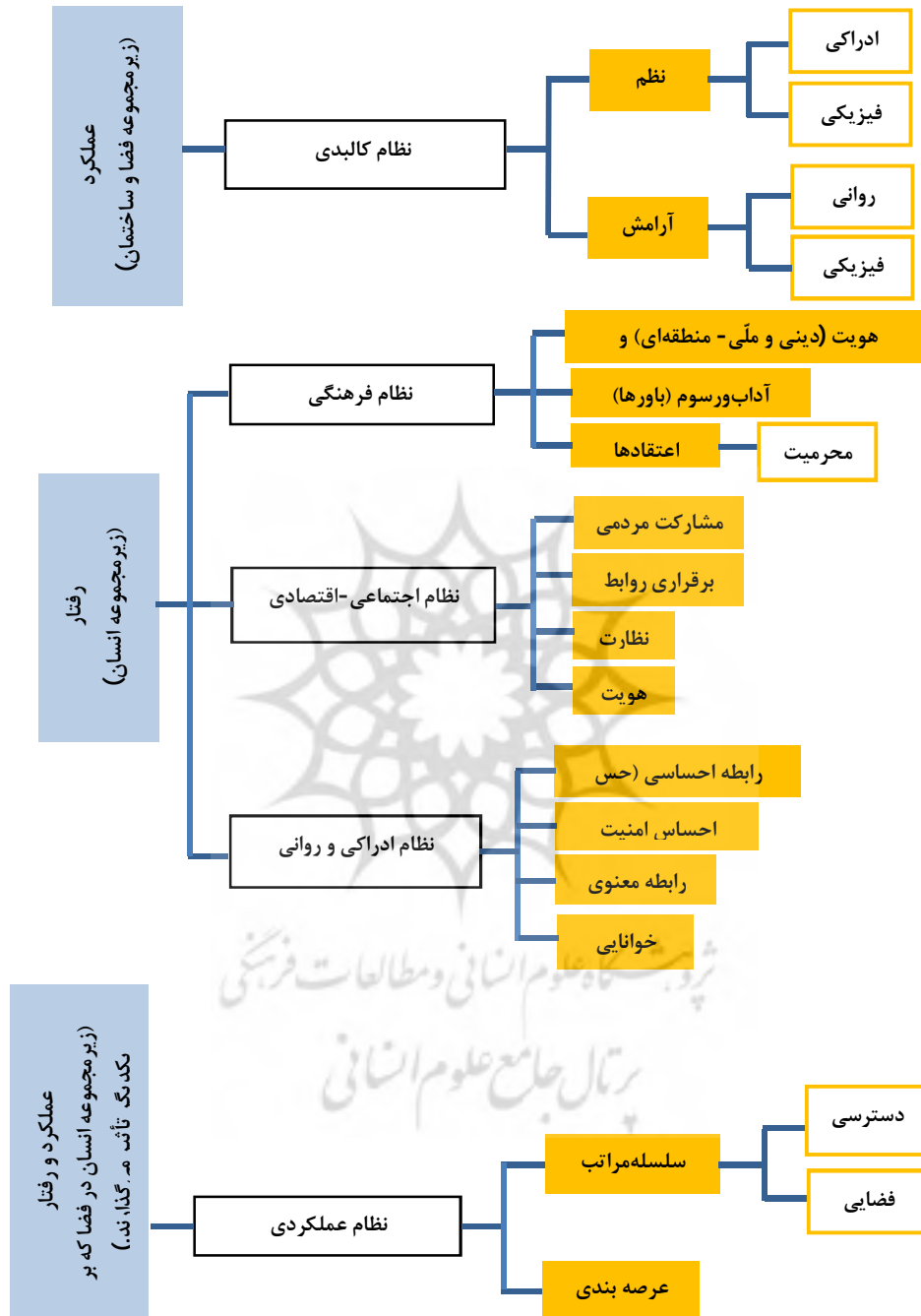
تعامل انسان با مسکن بر پایه روش‌های زیست، شکل می‌گیرد؛ مطابق شیوه‌های سکونت‌گزینی آدمی از دیدگاه شولتس که به سکونت جمعی، عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود، «انسان‌ها در مجموعه بی‌نهایت پیچیده‌ای از واحدهای فضایی زندگی می‌کنند، فضای شخصی، قلمروهای گروه‌های گوناگون، مجموعه پیچیده از نواحی هسته‌ای و مرکزی، قلمروهای قدرت و طیف‌های مسکونی، همه در محیط مصنوع و کاربری آن انعکاس می‌یابند. در این ارتباط در همه مقیاس‌ها، از سطح کشور گرفته تا سطح اتاق، سه ویژگی وجود دارد: حس هویت فضایی، حس انحصارگرایی، کنترل ارتباط در فضا و زمان» (پرتوی، 1387: 104).



نمودار شماره (3). حفظ فواصل انسانی در معماری و شهرسازی متوجه مخاطبینی است که در بستر فرهنگ درک معنا می‌کنند و کنش آن ایجاد تسلسل فضایی است.

حفظ حریم شخصی، اجتماعی و عمومی نیز عاملی است که بر معماری و شهرسازی انسان‌ساخت به‌صورت ضوابط فرهنگی مؤثر بوده و کنش‌های حفظ حریم، موجب پیچیدگی و ظهور مراتب تسلسل فضایی در معماری مسکونی است. این خصوصیت از کنش‌های فرهنگی انسان است که در زمره روش‌های زندگی و در بستر اجتماع، نوزایی می‌شود؛ بنابراین نوع و درجه محرمیت در معماری و شهرسازی، متوجه مخاطبینی است که در بستر فرهنگ، درک معنا می‌کنند. یکی از پیامدهای این حفظ حریم، امنیت و رفاه، دو مفهوم کیفی است که در شهر و خانه انتظار تحقق آن را وجود دارد. از طرفی محرمیت یک شاخصه بسیار مهم در ایجاد فواصل انسانی است. محرمیت، فاصله را دیکته می‌کند و از طریق آن است که باید به فواصل انسانی رسید. محرمیت در ایجاد فواصل انسانی دخیل است و با آن یکی نیست که در آیین‌های مختلف متفاوت است.

حس امنیت و رفاه از نیازهای ثانوی انسان است که اگرچه در ظاهر هم‌ارز با نیازهای اولیه نیست اما خلأ آن، ادامه حیات را مختل می‌کند. همچنین خانه و شهر، کالبد مجسم فضای بحرانی خانواده است. فضا بدون انسان فضا نیست. سکونتگاه یعنی جایی که کنش و واکنش وجود دارد و فقط یک مکان نیست. رفتار انسان مانند خواب، نشستن و ... در فضا (گرم، سرد و ...) صورت می‌گیرد که این‌ها همه است. پس در بحث تعریف الگوهای ایجاد فواصل انسانی در شهر و خانه هم عملکرد فضا را داریم، هم رفتار انسان که باید مدنظر قرار گیرند. با توجه به پژوهش‌های انجام‌گرفته در نمودار شماره (4) الگوهای کلی و مفاهیم کیفی ایجاد فواصل انسانی در معماری و شهرسازی تدوین شده‌اند.

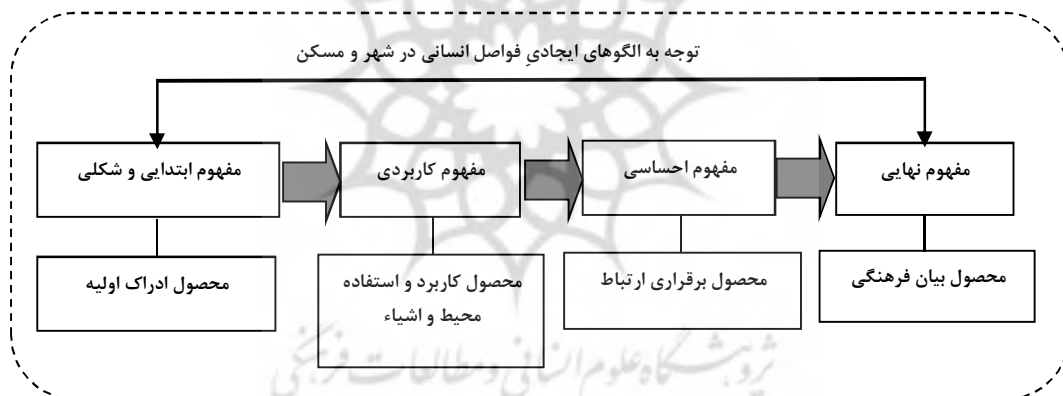


نمودار شماره (4). الگوهای کلی و مفاهیم کیفی ایجادِ فواصل انسانی در معماری و شهرسازی.

این الگوها و مفاهیم کیفی منتج از آن با بهره‌مندی از پژوهش‌های کتابخانه‌ای استخراج شده است. سپس با انجام مصاحبه با هفت نفر از خبرگان معماری و شهرسازی، مفاهیم کیفی و الگوهای اصلی تدقیق و پایایی (اعتماد) و روایی (اعتبار) آن‌ها محقق شد.

### نتیجه‌گیری

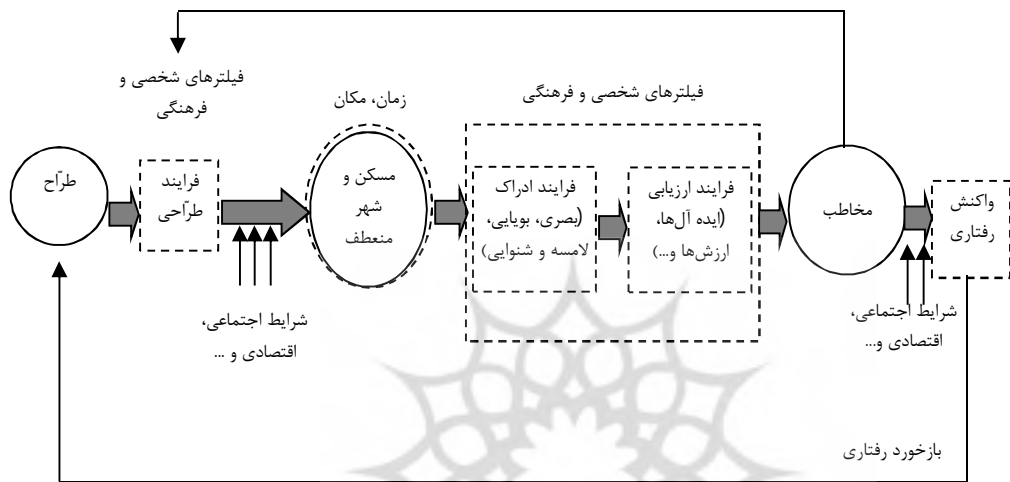
مفهوم فاصله یک مفهوم نسبی، چندجانبه و وابسته به محیط فرهنگی می‌باشد که سرانجام یک معمار با ایجاد انعطاف در درک موضوع و شرایط گوناگون استفاده‌کنندگان باید آن را مدنظر داشته باشد؛ بنابراین برای تعریف الگوها و مفاهیم ایجاد فواصل انسانی در مسکن معاصر باید فارغ از استانداردها و به‌صورت موضوعی و موردی عمل کرد. حال با توجه به الگوهای مطرح‌شده در این فصل، می‌توان سلسله‌مراتبی را نیز برای ایجاد فواصل انسانی در مسکن در نظر گرفت که در نمودار شماره (5) مشخص شده است.



نمودار شماره (5). سلسله‌مراتب ایجاد مفهوم فواصل انسانی در مسکن.

این طراحان هستند که می‌توانند با معماری صحیح و متصل به فرهنگ و مذهب خود، نیاز به امنیت روانی ناشی از حفظ فواصل انسانی در شهر و خانه را برطرف نمایند و لازمه ایجاد آن، داشتن بصیرت است و برای رسیدن به آن باید با الگوها و شاخصه‌های ایجاد فواصل آشنا شویم و آن‌ها را بدون توجه به معماری و شهرسازی رنگ و لعاب‌دار غرب حفظ کنیم.

در این راستا، ایجاد مفهوم فواصل انسانی در معماری و شهرسازی، محصول یک فرایند ارتباطی میان معمار، مسکن یا شهر و مخاطب می‌باشد. این فرایند در بستری از زمان، مکان و فرهنگ رخ می‌دهد و متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی و ... می‌باشد که بر مبنای آن می‌توان الگوهای اجرایی برای ایجاد فواصل انسانی را معرفی کرد (نمودار شماره 6).



نمودار شماره 6). الگوریتم تعامل میان معمار، شهر و مسکن و مخاطب در راستای ایجاد فواصل انسانی.

### پیشنهادها

تمام تلاش این پژوهش بیان مشکل موجود یعنی عدم پرداخت به بحث فواصل انسانی در حوزه شهرسازی و مسکن بوده است. بی‌شک راهکارها و الگوهای مطرح شده قابلیت تکمیل شدن دارند که ان شاءالله محققان در این زمینه پیشرو شوند و این مسیر را ادامه دهند. در این بخش می‌توان راهبردها و سیاست‌های بازآفرینی فواصل انسانی را در جهت افزایش امنیت اجتماعی در معماری و شهرسازی به صورت پیشنهاد بیان کرد (جدول شماره 5).



جدول شماره (5). راهبردها و سیاست‌های بازآفرینی فواصل انسانی در معماری و شهرسازی معاصر در راستای افزایش امنیت اجتماعی

هدف	نمودها	راهبرد	سیاست
بازآفرینی مؤلفه‌های ایجاد فواصل انسانی در معماری و شهرسازی معاصر در راستای افزایش امنیت اجتماعی	نظام کالبدی	رعایت نظم ادراکی و فیزیکی در طراحی	✓ توجه به حریم هر فضا و مکان و رعایت فاصله حریم‌ها (فضا با حریم تعریف می‌شود.) از یکدیگر؛
			✓ توجه بیشتر به جزئیات اجرایی؛
			✓ تنظیم فاصله مادر و کودک در محیط شهری برای نظارت بر فعالیت‌های فرزند؛
			✓ کنترل بو در محیط‌های شهری به منظور افزایش علاقه‌های فضایی و تنظیم فواصل (بوی آشنا فاصله را کمتر می‌کند)؛
			✓ توجه به نماسازی و احساس‌های متأثر از نماهای مسطح و نماهای عمیق.
		توجه به آسایش فیزیکی	✓ تشکیل خانه و شهر از فضای محصور درونی و فضای باز بیرونی، برای رسیدن به آسایش فیزیکی و کیفیت با فدا کردن کمیت؛
		در نظر گرفتن آسایش روانی	✓ در نظر گرفتن فضاهای انعطاف‌پذیر (تنوع‌پذیر، تطبیق‌پذیر و تغییرپذیر)؛
			✓ توجه به نسبت داشتن فضای نیمه‌باز و بسته در خانه و شهر؛
			✓ استفاده از جزرها برای کنترل فواصل انسانی و ایجاد شفافیت فضا برای گسترش ابعاد.
		توجه به سلسله‌مراتب دسترسی	✓ توجه به امکانات لازم برای داشتن حریم در سلسله‌مراتب دسترسی عمودی؛
			✓ وجود لابی و سرایدار در همکف برای نظارت بر ورود و خروج افراد به طبقات و آسانسورها؛
		توجه به سلسله‌مراتب دسترسی	✓ بهره‌گیری از فتاوری‌های نوین مانند درهای ریموتی برای آسانسورها در هر طبقه؛
			✓ استفاده از راهروهای فکر شده نه طویل و بی‌استفاده و یا شکستگی‌های طراحی شده در مقیاس هر واحد؛
	نظام عملکردی		✓ ایجاد سلسله‌مراتب با استفاده از بازی‌های نور در دیوارهای طبقات میانی و سقف طبقه آخر.
		توجه به سلسله‌مراتب فضایی	✓ بهره‌گیری هر فضا با توجه به ماهیت خود از میزان دید، همپوشانی با دیگر فضاها و ...
		توجه به عرصه بندی	✓ تجربه همه نوع فاصله (جمعی، فردی و...) با عرصه بندی‌های مناسب؛
			✓ امکان برخورداری از دو عرصه عمومی و خصوصی برای تمامی فضاها.

هدف	نمودها	راهبرد	سیاست
نظام فرهنگی	توجه به هویت دینی و ملی - منطقه‌ای	رعایت درون‌گرایی و حریم حداکثری در طراحی خانه‌های شهر اسلامی؛	✓ مفرح بودن با تنوع و ایجاد جاذبه در طراحی؛
			✓ در نظر گرفتن مکانی برای تجمع بانوان برای تعامل و فراهم کردن مکانی برای بازی و دوره‌می بچه‌ها با امکان نظارت مادران بر آن‌ها؛
			✓ در نظر گرفتن فضاهایی برای گفت‌وگو آقاها.
نظام اجتماعی - اقتصادی	توجه به هویت اجتماعی در برقراری روابط اجتماعی ساکنین و مشارکت آن‌ها	در نظر گرفتن مکانی برای نشستن و گپ و گفت دوستانه، به‌منظور برقراری پیوندهای آدمیان در درون و بیرون از خود.	✓ تعبیه امکان دید.
			امکان نظارت اجتماعی
نظام ادراکی و روانی	توجه به رابطه احساسی (حس تعلق)	امکان برخورداری از رابطه معنوی	✓ در نظر گرفتن مکانی خلوت (هم به لحاظ چیدمانی و هم تردد افراد) که بتوان در آن ذهن را پر کرد نه فضا را.
			✓ طراحی کالبد با توجه به نوع کاربری و فعالیت هر فضا برای حفظ هویت مکان با روابطی مانند روابط کالبدی و روابط انسانی در عین حفظ حریم هر فضا؛
			✓ 2- افزایش حس تعلق با ایجاد جذابیت‌ها در طراحی (برخورداری مناسب هر مکان از نور، ارتباط با طبیعت بیرون از خانه، توجه به چشم‌اندازها، توجه به تنوع مصالح در کف و دیوارها، رنگ و ...)
توجه به احساس امنیت	توجه به هویت دینی و ملی - منطقه‌ای ما همان کنترل روابط کالبدی و انسانی در طراحی است.	توجه به برخورداری از خوانایی	✓ خوانایی محیط در طراحی، با تداعی‌های فرهنگی (که مهم‌ترین آن با توجه به فرهنگ دینی و ملی - منطقه‌ای ما همان کنترل روابط کالبدی و انسانی در طراحی است).
			✓ توجه به حریم کالبدی و انسانی هر فضا برای تأمین موجبات آرامش و امنیت؛
توجه به احساس امنیت	توجه به احساس امنیت	توجه به احساس امنیت	✓ در عین توجه به شخصیت فردی اعضاء (پوشیدگی فضاهای شخصی)؛ طراحی شهر و خانه با حال جمعی باحال و با کیفیت فضایی بالا به‌منظور تأمین موجبات انسجام خانواده و حفظ حریم افراد.

## منابع

- ارژمند، محمود؛ خانی، سمیه (1391). نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره (7).
- انجمنی، زینب (1393). بررسی مفهوم خلوت و چگونگی تحقق آن در شکل گیری خانه های سنتی. اولین همایش ملی معماری مسکونی.
- آسایش، مهلقا (1392). بررسی لزوم تقویت حریم خصوصی و موقعیت یابی فرد در فضاهای عمومی شهر. اولین همایش ملی معماری و مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار.
- آلمن، ایروین (1382). محیط و رفتار اجتماعی (خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام)، ترجمه علی نمازیان. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بحرینی، حسین؛ تاجبخش، گلناز (1378). مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خود در تحقق آن. نشریه هنرهای زیبا، شماره (6)، زمستان، ص 20.
- پرتوی، پروین (1387). پدیدارشناسی مکان. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- جمشیدی، مژگان؛ جواهریان، مهرداد (1394). نقش فضاهای باز- نیمه باز در ارتقاء کیفیت واحدهای مسکونی. اولین کنفرانس سراسری توسعه محوری مهندسی عمران، معماری، برق و مکانیک ایران.
- خامه، معصومه (1389). مفهوم روان شناسانه خلوت در خانه های سنتی و معاصر ایرانی. همایش منطقه ای خانه ایرانی.
- دهقان، صهیب (1392). محرمیت: طیفی روان شناختی در خانه و شهر ایرانی- اسلامی. دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی.
- رضایی، مصطفی (1394). شناخت فضای خلوت در معماری خانه های سنتی ایران از دیدگاه سنت گرای (نمونه موردی: عمارت آصف در شهر سنندج). کنگره بین المللی پایداری در معماری و شهرسازی معاصر خاورمیانه.
- سجادزاده، حسن (1393). بازشناسی و ارزیابی مؤلفه های حس و تعلقات مکانی در تداعی هویت معماری فضاهای شهری پویا. دومین کنگره بین المللی سازه، معماری و توسعه شهری.
- عزیزیان، محمدصادق؛ کنعانیان، فرزین (1393). نقش خلوت در معماری ایرانی. اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار.
- فاروقی، سید محمدرضا؛ بادلی، بابک (1394). مروری بر خلوت و فواصل بین انسان ها در معماری نو. اولین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، یزد: مؤسسه معماری و شهرسازی سفیران راه مهرازی.

- کازرونی، بهمن (1393). نظریه خلوت در طراحی حیاط مرکزی خانه‌های ایرانی. اولین همایش ملی معماری مسکونی.
- کاظمی، پوریا (1392). بررسی مفهوم خلوت و جایگاه آن در معماری داخلی مسکن ایرانی. سومین همایش ملی معماری داخلی و دکوراسیون.
- کرباسی، سوده (1392). تجلی مفهوم خلوت در خانه‌های درون‌گرای ایرانی (نمونه موردی: خانه‌های سنتی دزفول). اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار.
- گیفورد، رابرت (1378).
- فضاهای شخصی، فصلنامه معماری و فرهنگ، سال (1)، شماره (2) و (3)، ص 56.
- مدنی پور، علی (1391). فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان. تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری.
- مطلّبی، قاسم (1380). روان‌شناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. مجله هنرهای زیبا، شماره (52)، ص 61.
- نصیری، نگار (1388). مطالعه تطبیقی مفهوم خلوت در خانه درون‌گرای ایران و خانه برونگرای غربی. فصلنامه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی. شماره (39).
- نیکروان، نیلوفر (1392). بررسی خلوت در خانه‌های سنتی شوشتر. سومین همایش ملی معماری داخلی و دکوراسیون.
- هال، ادوارد (1376). بعد پنهنان، ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- Berg, L. (2010), I Don't Have to Make Everything All Better p. 13. ISBN 978-0-670-88485-8
- Chapin, T. H. (1951). Environmental Psychology. Ashgate Publishing.
- Graham, M. C. (2014), Facts of Life: ten issues of contentment. Outskirts Press. p. 159. ISBN 978-1-4787-2259-5.
- Kennedy D. P., Gläscher, J., Tyszka, J. M., Adolphs, R. (2009), Personal space regulation by the human amygdala, Nat Neurosci. 12: 1226–1227.
- Landau, E. (2013), When bullying goes high-tech, CNN. Retrieved March 28, 2016.
- Moore, N. (2010), Nonverbal Communication: Studies and Applications. New York: Oxford University Press.